اِلهی اِعْتِذاری اِلَیْکَ اعْتذارَ مَنْ لَمْ یَسْتَغْنِ عَنْ قَبُولِ عُذْرِه فَاقْبَلْ عُذْری یا اَکْرَمَ مَنِ اعْتَذَرَ اِلَیْهِ الْمُسیئُونَ ...

معبود من! عذر آوردنم به درگاهت، عذر آوردنِ کسی است که نیاز به قبول دارد. پس عذرم را بپذیر، ای بزرگوارترین کسی که تبهکاران به درگاهش عذر می آورند ...

• اعتذار به پیشگاه خداوند

بعد از ارتکاب گناه، چه چیزی بهتر از عذرخواهی در پیشگاه خداوند بزرگ، به عنوان برداشتن قدمِ اول در پذیرش توبه؛ به خصوص آنکه، بنده دلایل کافی در عذرخواهی و قبول عذر از طرف خداوند در اختیار دارد.

گرچه آدمی موظف به ترک معاصی می باشد ولی:

ازیک سو، دشمنی به نام «ابلیس» دارد که قسم یاد کرد که آدمیان را گمراه نماید: «قالَ فَبِعِزَّتِکَ لَاُغْوِیَنَّهُمْاَجْمَعینَ؛ شیطان گفت: به عزّتت ای خدا، سوگند که همه را گمراه خواهم کرد». (ص: 82)

و از سوی دیگر، انسان گرفتار نفس امّاره است که همواره و با قدرت او را به بدی امر می کند، چنانچه در قرآن مجید از زبان آدمی فرمود: وَ ما اُبَرِّی ءُ نَفْسی اِنَّ النَّفْسَ لَاَمّارَةٌ بِالسُّوءِ اِلاّ ما رَحِمَ رَبّی اِنَّ رَبّی غَفُورٌ رَحیمٌ: و من خود را از عیب و لغزش مُبرا نمی دانم، زیرا نفس امّاره، فراوان، مرا به بدی دستور می دهد، مگر آنکه پروردگارم، رحم نماید، همانا که پروردگارم آمرزنده و مهربان است.(یوسف: 53)

در کنار همه عوامل فریب دهنده که گرداگرد آدمی را فرا گرفته است ـ به ویژه اگر در آغاز شباب و جوانی نیز باشد ـ کار بر او سخت تر خواهد شد، زیرا فصل جوانی به سببِ اقتضائاتی که در آن نهفته است، بیش از هر زمان دیگری، زمینه رابرای ارتکاب لغزش ها مهیا می سازد.

گرچه هیچ کدام از عوامل فوق نمی تواند خیالِ آدمی را در ارتکاب گناهان آسوده نماید؛

چون در سایه همین فشارها، و سپس کنترل نفس است که آدمی به مقامی برتر ازمقام فرشتگان دست می یابد؛

ولی دست کم اینکه عذرخواهی او را به درگاه پروردگارش، موجه می سازد چون خداوند، پذیرای عذر عذرخواهان می باشد.

همانگونه که در دعای جوشن کبیر آمده است که: «یا مَنْ یَقْبَلُ عُذْرَ التّائِبینَ؛ ای آنکه عذرخواهی توبه کنندگان را قبول می کنی».

و اساسا عذرخواهی از خداوند از صفات نیکو برای بنده محسوب می شود وبرای او، گامی می باشد به طرف تکامل و پیشرفت.

عُذر بِه آن را که خطایی رسید بنده از آن عُذر به جایی رسید

نظامی

اِلْهی لا تَرُدَّ حاجَتی وَ لا تُخَیِّبْ طَمَعی وَ لا تَقْطَعْ مِنْکَرَجائی وَ اَمَلی ...

معبود من! حاجتم را رد مکن و دستِ طمعم را تهی برمگردان و امید و آرزویم را از خود قطع مساز! ...

• تمنای استجابت دعا و تقاضای حفظ امید و طمع به خداوند

امیدوار بودن به خداوند، یکی از عالی ترین ویژگی های بندگان است.

از آنجا که از خداوند، توقع هرگونه خیر و خوبی و مهرورزی و گذشت وعفو می رود ...

و از آنجا که خداوند، هرگز امید کسی را ناامید نخواهد کرد ...

به همین دلیل، امید، بهترین سرمایه برای آدمی به شمار می رود، تا به سبب آن به هدف های بزرگ و آرزوهای والایش دست یابد.

چنانچه مولا علی علیه السلام در دعایِ کمیل می گوید: «اِرْحَمْ مَنْ رَأسُ مالِهِ الرَّجاءُ؛ خدایا! رحم کن بر کسی که سرمایه او، امید است».

و در دعای صَباح نیز در مقامِ امید به خداوند عرض می کند: «اِلهی قَرَعْتُ بابَرَحْمَتِکَ بِیَدِ رَجائی؛ معبودِ من! با دستِ امیدم درِ رحمتت را می زنم».

حوزه نت